

MARVEL

3

KELLY
SANDOVAL
SOTOMAYOR

SAVAGE SPIDER-MAN



دورنامه
dornname.ir



متفجر مر

از
فهمشون

متفجر مر

از زیمو
متفجر مر...



گا گا گا !

ZZZZ
AAAA
CCCC



متفجر مر

آره...
این یکی
چه دردی از
ما دوا می کنه؟

بگفتی...

نه...



در...

می دونم.
می دونم.

می خواهی
دیکه درد
نکشی؟



آره...
...

می خواهی
متوقفش
کنم؟

آره...

چرا؟



زیمو
آلفا.

هیولای خوب.

بیا
دستامونو
خون آلود
کنیم.

داده ها
رضایت بخش
هستند؟

راستش
ترجیح
می دم
سریع تر
باشه.

حقیقه که
خودی نشون
بدی راینهازت.

حرفمو عوض می کنم:
می دونستم که یه نسخه ذره ای
از جریان ای-پلاس برای تأثیر گذاری
به وقت بیشتری نیاز داره تا
نسخه اصلی.

ک-کمک.

می خوام سریع تر
عمل کنه، چون
نمی خوام صدای ناله
ضعیف ترها رو
بشنوم.

ممنون از
بابت صداقتت.

شماها...
ابرقهرمان
هستید؟

البته
من خودم این
کلمه رو ترجیح
نمی دم...ولی...

بله.

اینجا چه
اتفاقی داره
می افته؟

تولد یه
دنیای جدید...
و شما باید به
اون ملحق
باشید.



باشه،
ابر قهرمانی
در کار نیست.
فهمیدم.

...بین
افراد خودی
جات امنه.

نمی فهمم...

وقتی تغییر
ناگهانی باشه، تعداد کمی
می پذیرنش. ولی قول
می دم بزودی خیلی چیزها
رو درک می کنی...

سرتو
بدزد!

**BRAKKA
BRAKKA**



زنده باد هایدرا!!
زنده باد زیمو!



جالبه.

زیمو...؟
ننگه!

**THWIP
THWIP
THWIP**

مرد عنکبوتی...
برای زیمو بکش.



هستی

هیولا

همه ما

اینجا

دفاع تر و تمیز.
هوایی. پشتیبانی
زمینی.

سرکار، من
پیشنهاد
می کنم فعلاً
مخفی بشید.

صبر...

اون
با من.

جان دو،
نوبت توئه.

دو بهشتی...
فانگشی

حمایت
زمینی،
ماسیتیکا...

شاید یکی بتونه یه
نظریه بده که چرا ما با اونها
داریم می جنگیم؟

برای
زیمو!

KRAK

خیلی
دوست دارم
تیکه تیکه ات
کنم...

بگش!

دانشمنو بگش،
از دانشمن متفرم،
احترام
دیمو آلفا
دو به دانشمن
بیار...

خسته نشدی؟

اوه..

اول باید
بگیری...

SCHLICK

کار خیلی
زیادی داریم...
که نتیجه ای
نداره.

از اینکه
همیشه عصبی
باشی خسته
نشدی؟

ک-کن...؟
صبر کن...

از چیزه. ما...
اونها رو دیدیم.
بهمون عیان
شد...

قربانی
تو می ما
وولفر...

فکر
می کردم
انتخاب هام
از روی عشق
به دولاریس...

ولی
عشق نبود.

هر وقت
مناسب دیدی
بهش شلیک کن
سرکار.

یا می تونی به
بهشت خالی از برتری-
جویان نژادی رو انتخاب
کنی.

سر پلیدت
به کارت باشه
عنکبوت!!!

وگرنه
می برمش!

تو مسئله
بغرنجی
هستی.

راااااااااا!

چراغهای خطر!

SHRAKK

TING

مرد عنکبوتی!
بالا رو!

چرا هنوز می تونیم
اون مردم رو ببینیم؟
ما...

قمره راحة فاضحة
به طوقه ما
تار خون...

بعد داروی
شگفت انگیز تو اونو
اینطوری برگردوند.

بعد من
شتمش.

خودتو بخاطر
این مسئله ملامت کن.
عنکبوت منو زنده
نگه داشت.

توانایی هات
حیرت انگیزه زیمو.

و وفادارانت؟
جهت یاب
دارن؟

بدون اون
نباید از هواپیما
بیرون پیری.

کار زیاد برای
یه انتقام زیبا.

حتی از
نصف اونم
خبر نداری
بیجه.

تو ما
رو پیدا
کردی...؟

من اسکادران
هایدرا رو طراحی
کردم! تو یه سفینه رو
دوباره به کار انداختی
ولی نمی تونی از من
مخفی بش کنی.

شش



فکر شم
نکن.

هدف ها
تأیید شدند.
لطفاً منطقه رو ترک
کنید بارون.

موتیف های
تسلیم نموده!
برای د نهمین...

آتش برای همه!

هی هیولا،
منو به یه جای
بلند ببر، و گرنه کبابت
می کنم.

خدا مست به
آلفا.
د نهمینو بکش.
جلوی در و
بگیر

نجاتشون
بده.

لطفاً نجاتشون
بده.



احمق.

چه شخصیت غیر قابل اعتمادی.



از گونه ات دفاع کن.

نمی خواهی جلوی درد کشیدن خودتو بگیری؟ عصبانیت خسته کننده است.



بشریت گونه منه.

بشریت انت...





نباید پخش بشیم؟

صبر کن...



این کاریه که می کنیم.

KRAKOOOM



چرا؟

این کاریه که می کنیم.



چرا؟

بشتریت براب با صرافه،
بشتریت از خودش متشرفه،
مظوم مگونه از خودش متشرفه؟!

فقط
چند تا.

اکثر ما نفرتی
نداریم. ما...

چقدر احمق،
حشره!

زندگیتو
هوا و هوس زیمو
اداره می کنه!

جایگاه خودتو
بشناس. و گر نه با
بقیه این آلودکی ها
از بین می ری!

دورگه!

SLICKT

البته
که هستی...

بشتریت از
خودش متشرفه.

عنکبوت لعنتی...
زیمو از
چیزی نمی ترسه!

وقتی اون
عنکبوت فقط به
آدم بود، باید
می کشتیش.

حالا
سلاح
رو شده.

من...
پاک...

هستم!



آآآ آخا!

تو...
یه ماده
مسکن...
سفید...
عالی...

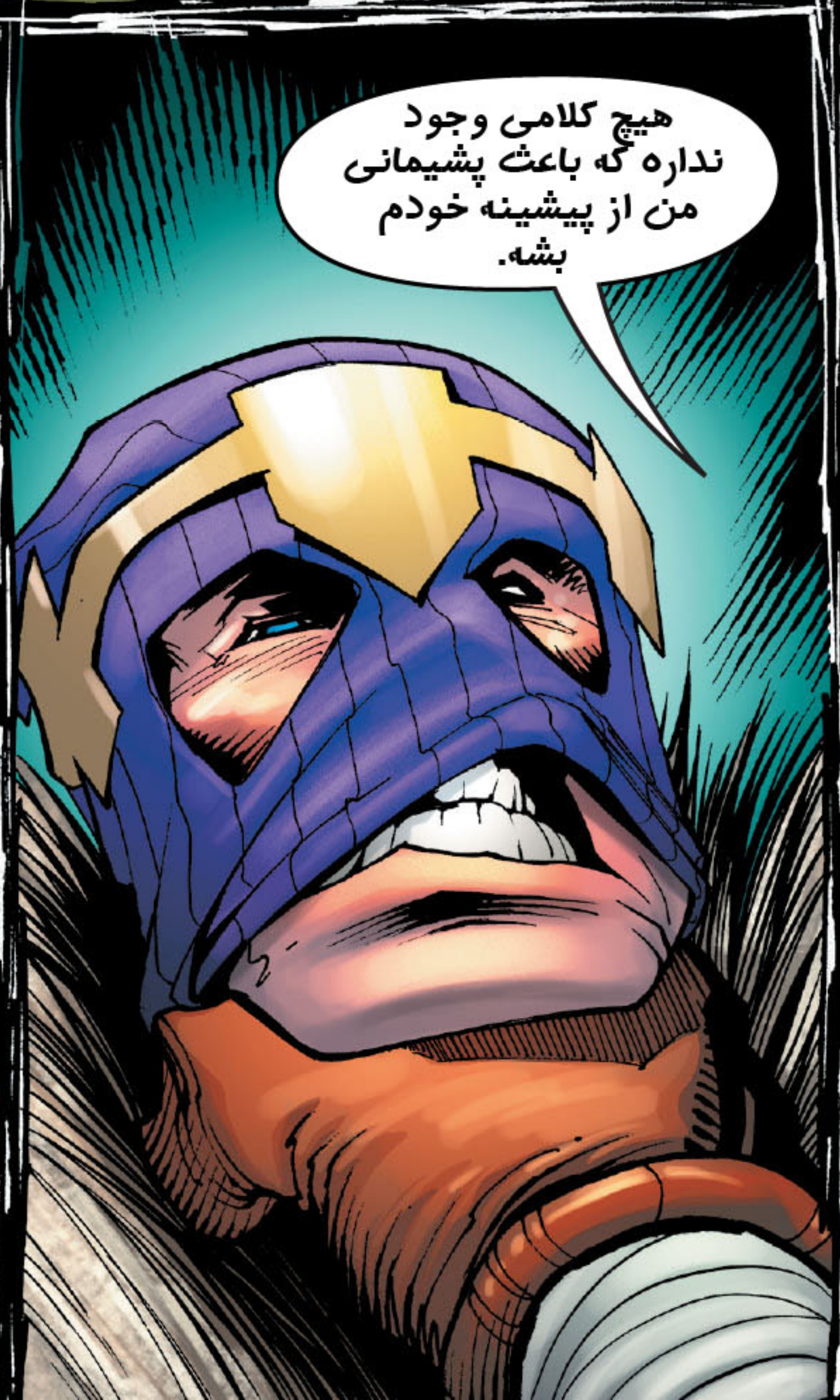
ز-زیمو...

ها!
بارون زیمو...
ناپاک.

فکر شو
می کنم که یه
زمانی تحسینت
می کردم.
پوسترت رو
همه جا زده
بودم.



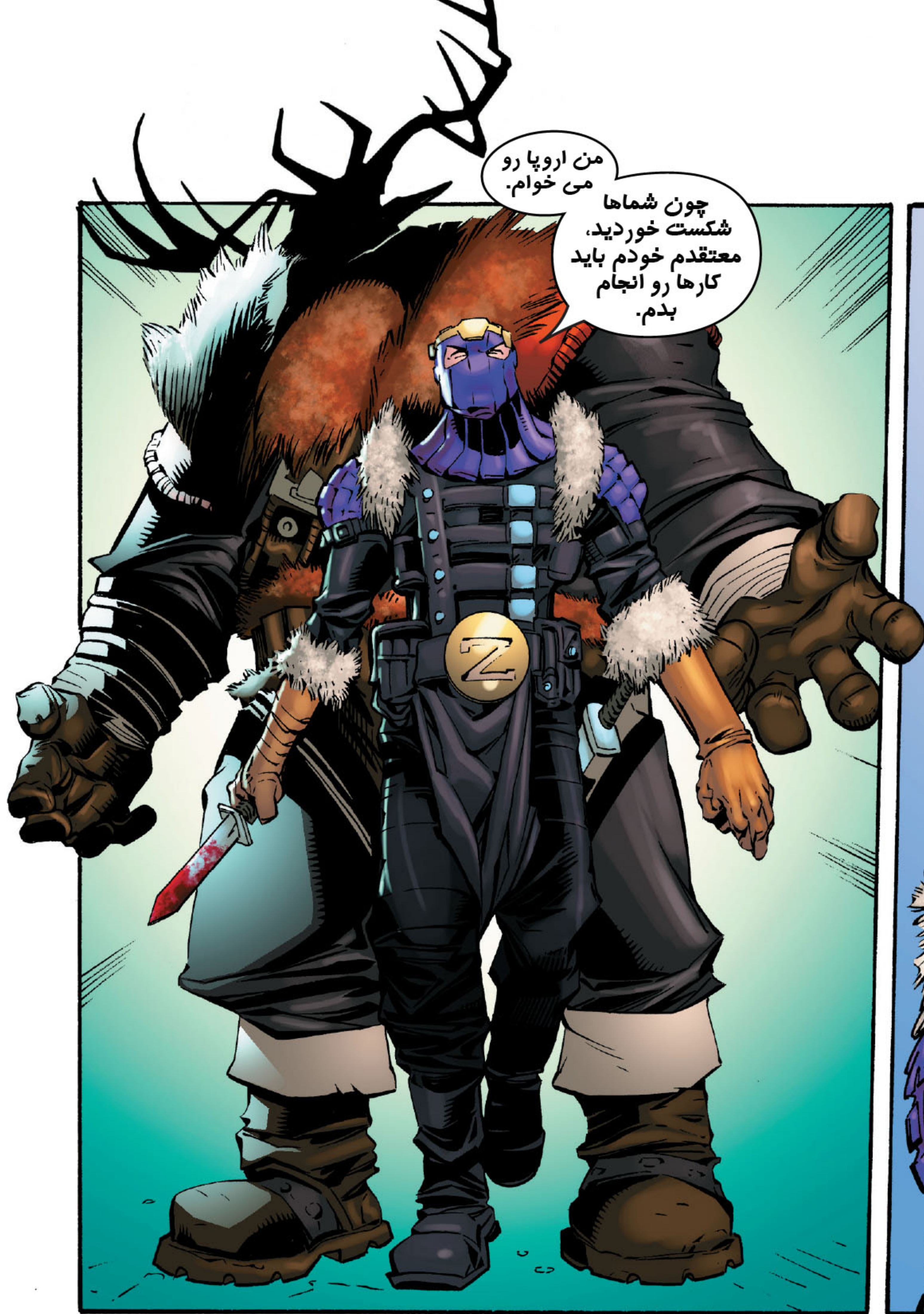
تو از رهبر
نادرستی پیروی
می کردی! اون تمام
ایده آل های ما رو
مسخره کرده!



هیچ کلامی وجود
نداره که باعث پشیمانی
من از پیشینه خودم
بشه.



SHLK



من اروپا رو
می خوام.
چون شماها
شکست خوردید،
معتقدم خودم باید
کارها رو انجام
بدم.



برای نجات
خودت از ابر قارچی
اون بعید می دونم
فکری داشته باشی.
یا شاید
بمب هسته ای
توی اون هواپیما
رو منفجر کنم.



تمام عمر در خدمت
نژاد برتر بودم.

که همه اش
تا حد کشنده ای
کسل کننده بود.



همه فکر و ذکر تون کشتن گروه
بی اصلاته تا بتونید قدرت و هوش
خودتونو استحکام ببخشید؟
ملاقات با شماها دیدگاه جدیدی
به من داده... شماها به اصلت
نژادی اعتقاد دارید.



من هستم.
که مجزا و
برابر باشید...
ولی در اصل.



حداقل بمدت صد سال،
تا زمانی که مردم خسته بشن و
یکی قدرت رو به دست بگیرده،
من هستم.



ولی تا اون
وقت شاید...
مرده باشم.





چرا نجات
بشریت؟

این کاریه که
می کنیم.

چرا این کارو
می کنیم؟

چون
منطقیه.

ادامه دارد!

تسلیمت بعد



4